

گزارش

کراک، نفرین قرن

کراکی‌ها چطور شسته می شوند

محمد سرایی

کراک محبوب‌ترین ماده مخدر در بین جوانان است و شایع است که بدترین عاقبت را هم دارد. می‌گویند اجساد معتادان به کراک را در غسل‌خانه‌ها نمی‌شویند چون جسد آنها چنان پوک و گندیده است که قابل شست‌وشو نخواهد بود. اگرچه ترس از این عاقبت باعث نشده است مصرف کراک پایین بیاید و این ماده مخدر همچنان شایع ترین ماده مخدر در بین جوانان است ولی آیا حرف‌هایی که در مورد این ماده مخدر زده می‌شود، واقعیت دارد؟
می‌دانیم که برخی اجساد را نمی‌توان با آب شست‌وشو داد مانند پیکر کسانی که در تصادف‌های شدیدی یا آتش سوزی کشته شده‌اند. همچنین براساس فقه اسلامی اگر این اجساد وجود داشته باشد که جسد در صورت برخورد با آب از بین برود نیازی به غسل شرعی نیست و می‌توان پیکر مرده را با همان شکل به خاک سپرد و به همین دلیل هم اجساد افرادی که در تصادف‌های شدید یا آتش سوزی کشته شده‌اند، بدون شست‌وشو به خاک سپرده می‌شود. غسل‌های بهشت‌زهار در مورد علت مرگ جنازه‌هایی که می‌شویند کنجکاوی نمی‌کنند. یکی از غسل‌ها می‌گوید: «اینجا مرده‌های پوسیده را هم می‌آورند، آدم‌هایی که دیگر اصلاً شبیه آدم نیستند ولی ما همه را می‌شویم. یعنی هر جنازه‌ی را که قابل شستن باشد می‌شویم.» می‌گویند کراکی‌ها فاسد می‌شوند ولی تا به حال جنازه‌ی نیامده که رویش نوشته باشد کراکی. « دکتر محسن هاشمی رئیس انجمن فیزیوتراپ‌های ایران که بنا به حرفه خود تجربیاتی از اندام‌های تحلیل رفته دارد، می‌گوید: «شخصاً هیچ آزمایش عملی معتبری در مورد اثر مواد مخدر صنعتی بر استخوان‌ها سراغ ندارم که در این مورد صدق کند. مسلماً مواد مخدر آسیب شدید فیزیکی به بدن وارد می‌کنند ولی برای اظهارنظر نیازمند آزمایش‌های دقیق هستیم.»

هاشمی البته به نکته دیگری هم اشاره می‌کند: «اگر جوانی که اعتیاد دارد به پزشک مراجعه کند مسلماً اعتیاد خود را پنهان خواهد کرد. پزشک هم احتمالاً به دنبال دلایل دیگری می‌گردد و ارتباط میان اعتیاد و پوکی استخوان

یا از بین رفتن ماهیچه‌ها را در نظر نمی‌گیرد.»

کراک که در قاره آمریکا و اروپای غربی مصرف می‌شود سال‌ها قبل از ترکیبات کوکائین ساخته شد. تجارت کوکائین در قاره آمریکا همانند تجارت کراک در آسیا پرمیفت است و قسمتی از درآمد کشاورزان فقیر بولیوی، اکوادور و کلمبیا را تشکیل می‌دهد. کوکائین طی مراحل استخراج، حمل و توزیع ارزش افزوده زیادی پیدا می‌کند. طوری که تنها افراد ثروتمند قادر به تهیه آن هستند ولی تاجران مواد مخدر برای اینکه اقتار نیازمند جامعه در حسرت کوکائین نمانند آن را با ترکیبات شیمیایی دیگری مخلوط کردند و با افزایش حجم، کوکائین فقرا را ساختند این محصول ارزان‌تر به نام کراک شهرت پیدا کرد و مانند هر تجارت سودآور دیگر دامنه آن به اروپا هم رسید.

با این حال کراک هنوز در آسیا گران‌قیمت بود در واقع



اگر کراک از مسیر تجارت مواد مخدر تا ایران بیاید بیش از صد هزار تومان به ازای هر گرم قیمت خواهد داشت. پس کراک آسیایی که یک‌دهم این قیمت هم نیست از چه چیزی ساخته شده است؟ برخی امتیاز اختراع کراک را به مایای سرخ روسیه نسبت می‌دهند عده‌یی دیگر منشاء آن را ترکیه، پاکستان یا دیگر کشورهای خاورمیانه می‌دانند. کراک آسیایی از کوکائین ساخته نشده است کراک امروزی موجود در کشور ما فقط ترکیب قوی‌تری از مشتقات هرئین است. اجناس جدید معمولاً با استفاده از سه روش اصلی مشتریان خود را پیدا می‌کنند. کراک هم برای رواج بیشتر در میان جوانان از هر سه این روش‌ها استفاده کرد. اول اینکه معتادانی که به هرئین اعتیاد دارند و می‌خواهند با یک ماده دیگری آن را ترک کنند نوع مصرف خود را به کراک تغییر می‌دهند. در حالی که ماده جدید به مراتب خطرناک‌تر از اولی است. دومین روش این است که برای تسکین عوارض ماده محرک یا توم‌ها که معمولاً در پارتنی‌ها مصرف می‌شود باید از یک مسکن استفاده کرد. معمولاً هم تصور می‌شود که این مسکن اعتیادآور نیست در حالی که بلافاصله وابستگی ایجاد می‌شود. سومین و مهمترین دلیل گسترش کراک جنبه فرهنگی آن است. جز مدل لباس و آرایش مو، مصرف مواد مخدر هم به صورت یک «مد» از کشورهای غربی تقلید می‌شود. بنابراین اگر ماده‌یی که در غرب رایج است به ایران وارد شود، برای حفظ «کلاس» و «پرستیژ» بازار مصرف تضمین شده‌یی در میان جوانان خواهد داشت. دکتر اسماعیل پور مدیر گروه درمان یک انجمن ترک مواد مخدر است. او شایعات مربوط به کراک را دنبال کرده و به نتایجی رسیده است: «مصرف کراک باعث می‌شود که فرد هیچ دردی را حس نکند، در نتیجه بیماری‌های مختلف در بدنش به راحتی پخش می‌شود. علاوه بر آن این مخدرها سیستم ایمنی را به شدت ضعیف می‌کنند و راه برای ورود عوامل عفونی‌ای می‌شود در نتیجه یک شخص معتاد به کراک احتمالاً دچار چند بیماری مختلف خواهد بود، مخصوصاً اگر ولگرد و کارتن خواب باشد. « او از معتادانی مثال می‌زند که زخم‌های پوستی بسیار بزرگ با حتی عفونت کامل را در قسمت‌هایی از بدن خود داشته‌اند و البته به مصرف کراک هم ادامه می‌دادند. وی می‌گوید: «وقتی فرد سالمی می‌میرد پس از طی زمان مشخصی مثلاً ۷۲ ساعت جسمش دچار پوسیدگی‌هایی خواهد شد. حال اگر شخص معتاد به کراک و آلکوله به عفونت درونی باشد پس از مرگ در ۱۲ ساعت به این مرحله خواهد رسید و جنازه در کراک احتمالاً چهار چند بیماری مختلف خواهد بود، مخصوصاً اگر ولگرد و کارتن خواب باشد. « او از معتادانی مثال می‌زند که زخم‌های پوستی بسیار بزرگ با حتی عفونت کامل را در قسمت‌هایی از بدن خود داشته‌اند و البته به مصرف کراک هم ادامه می‌دادند. وی می‌گوید: «وقتی فرد سالمی می‌میرد پس از طی زمان مشخصی مثلاً ۷۲ ساعت جسمش دچار پوسیدگی‌هایی خواهد شد. حال اگر شخص معتاد به کراک و آلکوله به عفونت درونی باشد پس از مرگ در ۱۲ ساعت به این مرحله خواهد رسید و جنازه در کراک احتمالاً چهار چند بیماری مختلف خواهد بود، مخصوصاً اگر ولگرد و کارتن خواب باشد. « او از معتادانی مثال می‌زند که زخم‌های پوستی بسیار بزرگ با حتی عفونت کامل را در قسمت‌هایی از بدن خود داشته‌اند و البته به مصرف کراک هم ادامه می‌دادند. وی می‌گوید: «وقتی فرد سالمی می‌میرد پس از طی زمان مشخصی مثلاً ۷۲ ساعت جسمش دچار پوسیدگی‌هایی خواهد شد. حال اگر شخص معتاد را با اینجانی می‌توان مطمئن باشیم که حداقل مانند انسان‌های سالم شسته خواهد شد.

خیابان نجات الهیی مملو از دختران و پسران جوانی است که سرگردان و نگران کاغذهای چسبیده به دیوار ساختمان سابق وزارت علوم را می‌کاوند. ترافیکی است که نگو و تپرس.

ازدحام جمعیت آنچنان است

که خیابان نجات الهیی از دو سو با ترافیک رو به رو است.

ازدحام جمعیت دانشجویان و وجود دانشگاه پیام نور، مبلغان انواع و اقسام موسسات فراگیر دانشگاه پیام نور را هم به این مکان کشیده است و پسران جوانی که با صداهای تازه به بلوغ رسیده خود فریاد می‌زنند: «بدون کنکور وارد دانشگاه شوید»، فضای شلوغ خیابان را غیر قابل تحمل کرده است.

موج جمعیت ناخودآگاه وجودت را می‌گیرد، چشم باز می‌کنید و می‌بینید که در میان جمعیت در حال سر خوردنید! جلوی ساختمان وزارت علوم سابق که به نظر می‌رسد ـ از روی تابلویی آن ـ در حال حاضر در تملک دانشگاه پیام نور باشد، تجمع دانشجویان سال اولی

آنچنان است که گویی راهپیمایی

با تظاهراتی اتفاق افتاده است. ناخودآگاه ذهن آدمی به این سو متمایل می‌شود که حتماً اعتصابی، چیزی اتفاق افتاده است!

در نگاه برخی از آنان، آنچنان اضطرابی موج می‌زند که گویا امتحان کنکور برگزار شده است. گویی هنوز هم ترس از برگزاری کنکور و قبول نشدن وجودشان را فراگیر است. ترس از غول کنکوری که از سویی موجب ثروتمند شدن موسسات و آموزشگاه‌های خصوصی شده که کلاس‌های آمادگی کنکور را برگزار می‌کنند و از سویی هم موجب به وجود آمدن پدیده‌یی به نام احتکار دانشجو از طریق پذیرش فراگیر شده است؛ پذیرشی که دانشجو می‌تواند بدون کنکور وارد دانشگاه شود. البته این را ما نمی‌گوییم، بلکه این شعار دانشگاه پیام نور است که بارها و بارها اعلام کرده است.

دانشجویان سال اولی ـ از زن و مرد در سنین مختلف، همچنان در تکاپو و تلاش رفتن به داخل ساختمانی هستند که جلوی آن را نگهبانی‌ها به نهایت صدای خود، مسدود کرده است و هر از گاهی، چنان نعره‌یی برمی‌آورد که دانشجویان چند متر به عقب پناهنده می‌شوند! اینجا دانشگاه پیام نور مرکز تهران است. دانشگاهی که چند روز پیش از طریق رسانه‌های مختلف اعلام کرد که در ترم جدید ۱۷ هزار

کمبود امکانات دانشگاه پیام نور و سرگردانی دانشجویان

دانشجویان را احتکار نکنید

راضیه صادقی‌فر



تجمع دانشجویان سال اولی پیام‌نور آنچنان است که گویی راهپیمایی با تظاهراتی اتفاق افتاده است/ عکس: فارس

دانشجوی جدید در مقطع کارشناسی پذیرفته است.

ساعت‌ها می‌گذرد و بالاخره، فرد اتوکشیده کت و شلوارپوشی، که معلوم است یکی از مقامات است

جلوی در ساختمان آمده و دانشجویان بر سرش آوار می‌شوند: «آقا من قبول شدم و کد رشته‌ام این است، اما می‌گویند که اصلاً این رشته در دانشگاه پیام نور وجود ندارد! چه کار کنم؟! آقا ببخشید، چقدر پول به حساب بریزیم؟ آقا شماره حساب کجاست؟ فرم انتخاب واحد را از کجا بگیریم؟ آقا ببخشید، دخترم در ورامین قبول شده، برای انتقالش به تهران به کجا مراجعه کنم؟ آقا ثبت‌نام با تاخیر ورودی‌های ۸۰ را کجا باید برویم؟ آقا من کلاس دارم باید بروم داخل ... و ... باز هم فشار و هجوم و ...»

سوال‌ها بی‌وقفه جاری است و اما طبق معمول، پاسخ‌ها یکی در میان اعلام می‌شود، از بی‌اطلاعی است یا نشنیدن سوال‌ها اما جمعیت هنوز در حال هجوم آوردن و نگاهان همچنان در حال فریادزدن. ... وارد شدن به ساختمان وزارت علوم که امکان‌پذیر نیست. به ساختمان رویه‌روی وزارت علوم که شعبه دیگری از پیام‌نور است، با همان تابلوی نصب شده، وارد می‌شویم. جلوی در، نگهبان ایستاده که بدون اینکه به کسی نگاه کند فریاد می‌زند: خواهرها

مراقب «سمند»‌ها باشیم

«سمن»‌ها در معرض تهدید

محمد الموتی*

اقت‌های فعالیت‌های داوطلبانه و به عبارت دیگر «فعالیت‌های ان‌جی‌اویی» یا «فعالیت‌های سمنی»، در هر جامعه‌پویا می‌تواند مواردی از قیل عمل درک کار جمعی و مشترک، شخص محور بودن یا امانحور بودن، عدم توجه به گردش‌نخبگان در سازمان، عدم شفافیت در کارکرد مالی سازمان، وارد شدن در فضای سیاسی، عدم حساسیت به ارتباطات بین‌المللی و از طرفی مورد سوءاستفاده‌گرفتن از سوی نهادهای فراملی و بین‌المللی و ... باشد، اما آنچه کشور ما را در زمینه از دیگر جوامع متمایز می‌سازد، اقبال گسترده‌مسوولان‌دولتی‌به این

نهاده‌ها و حضور در این سازمان‌هاست که حداقل از منظر، آسیب‌دولتی‌ها هستند و فرآیند رشد و بالندگی این مولودنوپا می‌رساند؛ نخست آنکه تداوم شیوه «مدیریت دولتی» در سمن‌ها با روح این‌گونه سازمان‌ها و کارکردشان بنی بر داوطلبانه بودن و به دور از شرایط و مژوسی و حقوق‌بگیری رایج

در نهادهای دولتی و همچنین غیرسیاسی بودن و گرایش سیاسی نداشتن فعالیت‌های آنان، در تعارض جدی و اساسی است و دوم آنکه توجه و هجوم معنادار مسوولان و کارمندان بلندپایه‌دولتی به این حوزه، خوانانخورده‌صدی از سمن‌ها را زات، موقعیت و امکانات برتری نسبت به دیگران برخوردار می‌سازد، هرچندکه هنوز برای «سمنی‌های واقعی، این حسن‌ناگهانی‌خیرخواهی و علاقه‌مندی‌به فعالیت‌های داوطلبانه» ـ پس از چندین سال کار دولتی و بی‌المن مشخص عملکرد دولتی‌ها و اینکه ناگهان به قابلیت‌های خود در حوزه اجتماعی پی‌برده و از بابت معقول‌مانند آن بسیی تاسف می‌خورند ـ جای تعجب و حیرت دارد. البته از این نکته نباید غافل بود که پیش‌بینی بروز چنین آسیب‌هایی، هیچ‌گاه نمی‌تواند مانع حضور افراد، با هر موقعیت و مقامی، در ارکان اجرایی سمن‌ها شود اما آنچه در تمامی دنیا در قالب فعالیت‌های داوطلبانه به تعریفی عرفی و عملی رسیده است، مورد واده و به‌کارگیری توسط جمعی از مردم، فارغ از شخصیت حقوقی‌شان است و اگرچه مقررات جاری ناظر بر فعالیت سازمان‌های

معرکه، اقدام می‌کند. کارمند خاطی را صدا کرده و در کمال خونسردی عذرش را می‌خواهد و مشاجره همچنان ادامه می‌یابد. با این تفاوت که به جای دو نفر، سه نفر مشغول مشاجره می‌شوند.

ساعت‌ها می‌گذرد و این صحنه دراماتیک ادامه دارد. ساعت ۱۱/۳۰ است و همچنان ازدحام. در ساختمان وزارت علوم هم کم‌کم باز می‌شود. گویی تقسیم‌کار کارمندان انجام می‌شود و دانشجویان اجازه دخول می‌یابند. تازه ماجرا آغاز می‌شود. دوباره صف ایستادن برای دریافت برگه انتخاب واحد، تأیید کارشناس، مراجعه به امور مالی و واریز شهریه و ... اما گروهی از دانشجویان زیر و زنگ، که به جای تماشاشاچی بودن مذاکره نه‌چندان صمیمانه مسوولان و کارمندان‌که بیشتر به مذاکره مشتاقان دو تیم استقلال و پیروزی شبیه بود، به بانک مراجعه کرده رسیده‌های بانکی را دریافت کردند و بدون دریافت‌فرم انتخاب واحد، ثبت‌نام شدند. این جمله را فرد کت و شلوارپوش دیگری که با صدای بلند اعلام کرد: کسانی

که شهریه‌را و واریز کرده‌اند، می‌توانند ببرند، ثبت‌نام‌شان را دانشگاه انجام می‌دهد و ... این جمله کافی بود که دانشجویان به بانک هجوم ببرند. در این ازدحام دیگر چه کسی حوصله‌اش را دارد که بنیه علمی دانشجو را تقویت کند. اما باید اعتراف کرد که هوش و ذکاوت دانشگاه پیام نور در جذب و جلب دانشجو بسیار زیاد است. چه کسی می‌تواند ماست‌هایشان را کیسه کرده‌اند! چرا که دیگر نه کسی از انتخاب واحد سوال می‌کند، نه از شهریه یا همه به تماشاشاچینی تبدیل شده‌اند که شاهد فیلم مهیجی‌اند. لحظه‌یی بعد، دوباره آقای کت و شلوارپوش مودب وارد می‌شود و با ورودش، صدای باقی کارمندان هم در می‌آید: جناب ... نیرو و هجوم و ... آقای ... کجایید؟

ساعت ۹/۳۰ است و همچنان دانشجویان، تماشاچی این مذاکره نه‌چندان صمیمی روسا و کارمندان! دانشجویانی که به عنوان کمک کارشناس از ساعت ۸ در سالن به انتظار تحویل‌گرفتن پست خود هستند، نیز در گوشه دیگر سالن ایستاده و هنوز در انتظارند. معاون آموزشی دانشگاه با پیامی آمیخته به مهربانی و آرامی و کمی هم بی‌اعتنایی، برای جمع کردن این

درپچه

زنان، شکار هیولای فقر

مهديه گلرو

فقر مفهومی کلی از ندانسته‌ها است. در تعیین محدوده مفهومی فقر از دو سطح کلی صحبت می‌شود؛ فقر مطلق و فقر نسبی. فقر مطلق حداقل معاش است و فقر نسبی به قضاوت افراد نسبت به سطح زندگی خود بستگی دارد. فقر محدودیتی آشکار از رفاه است که دایره‌یی شوم ایجاد می‌کند. همواره ایراداتی اساسی نسبت به خط فقر و درآمد خانواده مطرح می‌شود که در اینجا تنها یکی از این موارد را که نتیجه نگاه جنسیتی است، مطرح می‌کنم. اینکه چگونه درآمد در خانواده هزینه و تخصیص داده می‌شود امری شخصی است و اجتماعی، منطقه زندگی، سطح توسعه جامعه و قدرت خرید ملی بستگی دارد.

۷۰ درصد از جمعیت ۱/۳ میلیارد نفر فقیر در جهان را زنان تشکیل می‌دهند و همین موضوع نشانگر زنانه شدن فقر است و به‌رغم پیشرفت زنان در بازار کار، خانواده‌های تحت سرپرستی مادر نسبت بالایی از فقر را دارند. اما فقر تنها برطرف کردن نیازهای زیستی نیست، درست است که رفع گرسنگی یک نیاز زیستی است اما دسترسی به بهداشت و آموزش هم در رفیت نیازهای اولیه قرار می‌گیرد.

در مصاحبه‌هایی که با زنان فقیر برخی از کشورهای جهان می‌شود آنان می‌گویند فقرا چه نیازی به عزت نفس و اخلاق دارند؟ هر چند هر وقت از کمبودها صحبت می‌شود، از مواردی مانند کمبود غذا، کمبود پوشاک و کمبود سرپناه صحبت می‌شود اما حد و انتهایی برای این کمبودها وجود ندارد و آیا همه مادرانی که قادر به سیر کردن بچه‌های خود نیستند، می‌توانند از اصول اخلاقی پیروی کنند؟

با این سوال این‌گونه در ذهن تداعی می‌شود که مناعت و آبرویی که زنان فقیر از آن حرف می‌زنند بسیار متفاوت از زنان خانواده‌های مرفه‌تر و مردان خانواده است. برای نجات از فقر و دایره شوم فقر یکی از حلقه‌ها باید گسسته شود. فقر غذایی یک حلقه ارتباطی بحرانی در دایره فقر است که باعث کاهش سلامت و بهداشت نامناسب، کاهش ظرفیت فراگیری و کاهش فعالیت‌های فیزیکی در نتیجه کاهش بهره‌وری و تشدید فقر می‌شود.

زنان در خانواده‌های فقیر با داشتن درآمدی در حد خط فقر باز هم دچار سوءتغذیه هستند و دلیل آن نحوه هزینه و تخصیص درآمد است؛ مادرانی که حاضرند خود گرسنه‌بمانند اما از سهم حداقل خوراک خود به کودکان‌شان بدهند و به این ترتیب توزیع درآمد حداقلی را به هم بزنند و دخترانی که خاطر دختر بودن سهم کمتری از خانواده‌نصب‌شان می‌شود در حالی که برادران‌شان غذایی بهتری می‌خورند و به مدرسه می‌روند و خواسته یا ناخواسته سهم خواهران خود را مصرف می‌کنند.

سه چهارم گرسنگان جهان در مناطق روستایی هستند و اکثر آنها را زنان تشکیل می‌دهند. وضعیت زنان گرسنه در کشورهای توسعه‌یافته نیز به همین شکل است ولی در کشورهای توسعه‌یافته این زنان تحت پوشش سیستم‌های تأمین اجتماعی قرار می‌گیرند و به ازای هر فرزند زنده کمک‌هایی دریافت می‌کنند هرچند این کمک‌ها برای بیرون



کشاندن آنان از جمع فقرا کافی نیست. در خیرنامه سازمان ملل (سال ۲۰۰۶) آمده است که ۵درصد زنان از سوءتغذیه شدید رنج می‌برند و ۵درصد نوزادان به خاطر تغذیه نامناسب مادر در دوران بارداری دچار کمی وزن و کوتاهی قد هستند. این در حالی است که در جدولی جهانی آمار دقیقی از تعداد افرادی که زیر خط فقر با تعریف جهانی آن زندگی می‌کنند، وجود ندارد.

کمبود آموزش بخش دیگری از چرخه فقر زنانه است. کودکان شهری نسبت به کودکان روستایی دسترسی بیشتری به امکانات آموزشی دارند و کودکان ثروتمند نسبت به فقیر و پسران نسبت به دختران. طبق آمار اعلام شده در ایران (وبسایتی دیگر از کشورها) ثبت‌نام دختران در دبستان‌ها کمتر از پسران است و این شکاف جنسیتی در جنوب آسیا و خاورمیانه گسترده‌تر است. تداوم این شکاف جنسیتی که در آموزش منکس می‌شود مسائلی همانند حاملگی زود هنگام، محدود بودن فرصت‌های اشتغال برای زنان و انتظار از دختران برای داشتن سهم بیشتر در کارهای خانه را به همراه داشته است. در نتیجه از ۹۰۰ میلیون جمعیت بالغ بی‌سواد در جهان دو سوم آن را زنان تشکیل می‌دهند. البته در بسیاری از کشورها آمار کمتر از واقعیت است به خاطر اینکه مقامات رسمی فرض می‌کنند که چنین پدیده‌هایی در کشورشان وجود ندارد. تفاوت‌های جنسیتی در تحصیل با استانداردهای زندگی همبستگی ندارد و زنان با رشد اقتصادی از رشد این ترازبند خلاص نمی‌شوند. کاهش این شکاف نیازمند سیاست‌های ملی حمایتی کاهش هزینه تحصیل دختران برای خانواده‌ها (خانواده‌ها پسران را به امید بازگشت سرمایه در آینده شوقین به تحصیل می‌کنند اما در مورد دختران امید بی بازگشت این هزینه‌ها ندارند) و ساخت بیشتر مدارس دخترانه است.

بسیاری از متخصصان میزان سواد زنان را از مولفه‌های مهم کیفیت زندگی زنان می‌دانند. بهداشت دیگر مساله مهم در کیفیت زندگی زنان است. تعداد زنانی که هر ساله به خاطر زایمان‌های غیربهداشتی می‌میرند یا به دلیل عدم نظارت بر دوره بارداری دچار مشکلات اساسی می‌شوند در جهان و ایران کم نیست و حدود نیم میلیون زن هر سال در زمان حاملگی یا زایمان و البته اغلب در کشورهای در حال توسعه می‌میرند.

به هر حال فقر زنان، زمینه‌سوءاستفاده از آنان را فراهم کرده است. از کار در منزل کارفرمایان بدون حق بیمه و ساعت کار مشخص گرفته تا ازدواج‌های اجباری برای تأمین سرپناه و خوراک و حتی ورود به باندهای فحشا برای در امان ماندن از گرسنگی. بدین ترتیب بردگی جدیدی در سطح بین‌المللی رواج یافته است و این بار بردگان این بازار جدید برده‌فروشی مردان سیاه‌تومنند نیستند، این بار زنان از هر نژاد و ملیتی در معرض بردگی هستند.